



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

معنی لغت‌های مهم درس

باری:	یک بار	برهی:	رها
سلطان:	پادشاه	بزاز:	پارچه فروش
توانگر:	ثروت مند	تفته:	گداخته
مشقت:	سختی	زرین:	طلایی
مذلت:	خواری و پستی	صیف:	تابستان
خیره:	گستاخ	شتا:	زمستان
شکفتن:	باز شدن	گران مایه:	ارزشمند

معنی متن

غنچه با دل گرفته گفت:

«زندگی

لب زخنده گرفتن است

گوشه ای درون خود نشستن است»

غنچه با ناراحتی گفت: زندگی نخندیدن و در گوشه‌ای تنها نشستن است.

گل به خنده گفت:

«زندگی، شکفتن است

با زبان سبز، راز گفتن است»

گل با خنده گفت: به راستی که زندگی مانند شکفتن یک گل است و گفتن رمز و راز با زبای سبز مانند برگ گل‌ها

و درختان است.

گفت و گوی غنچه و گل از درون باغچه

باز هم به گوش می‌رسد.

همچنان گفت و گوی غنچه و گل از درون باغچه شنیده می‌شود

تو چه فکر می‌کنی؟

راستی کدام یک درست گفته‌اند؟

نظر تو چیست؟ به نظرت کدام یک از آنها درست گفته‌اند؟

من که فکر می‌کنم

گل به راز زندگی اشاره کرده است

هر چه باشد او گل است

گل یکی دو پیرهن

بیشتر ز غنچه پاره کرده است.

من که فکر می‌کنم گل به راز زندگی پی برده و به آن اشاره کرده بالاخره او گل است و از غنچه تجربه‌ی بیشتری

در زندگی دارد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX خود ارزیابی XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

سوال ۱: گل زندگی را چگونه تعریف کرده است؟

از نظر گل زندگی شکوفایی و رشد و سرسبز شدن و طراوت داشتن است.

سوال ۲: تعریف شاعر از زندگی چیست؟ شاعر همانند گل زندگی را در شکوفایی و سرسبزی می بیند و با گوشه نشینی و غمگینی مخالف است و ما را به شادی و حرکت و سرزندگی دعوت می کند.

سوال ۳: به نظر شما راز زندگی چیست؟ حقیقت زندگی انسان و هدف از خلقت او محدود به این دنیا نیست. دنیا برای آخرت آفریده شده است. دنیا محلی برای آزمایش است؛ خداوند انسان را آفریده و او را راهنمایی نمود تا به کمال مطلوب نایل شود. بنابراین راز زندگی را باید در ایمان به خدا و توکل بر او و صبر و استقامت در سختی ها عنوان کرد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX حکایت XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو، نان خوردی.

دو برادر بودن که یکی به سلطانی خدمت می کرد و دیگری با کار و تلاش خود روزی به دست می آورد.

باری، توانگر گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟

یک بار برادر ثروتمند به برادر فقیر خود گفت که: چرا مانند من به سلطان خدمت نمی کنی از از زحمت کار کردن راحت شوی.

گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت، رهایی یابی که خردمندان گفته اند: نان خود خوردن و نشستن به، که کمر زرین بستن و به خدمت ایستادن:

برادر فقیر تر گفت: تو چرا کار نمی کنی تا از خفت و خواری خدمت به سلطان راحت بشی که اندیشمندان گفته اند: از دست رنج خود استفاده کردن و راحت بودن بهتر است از کمر بند طلا بستن و در خدمت کسی سرپا ایستادن.

به دست آهن تفته کردن خمیر / به از از دست بر سینه به پیش امیر

آهن گداخته را با دست مانند خمیر شکل دادن بهتر است از اینکه دست بر سینه در خدمت پادشاه بایستی.

عمر گران مایه در این صرف شد / تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

عمر ارزشمند خود را هدر دادم به خاطر اینکه تابستان چه بخورم و زمستان چه بپوشم .

ای شکم خیره، به نانی بساز/ تا نکنی پشت به خدمت، دوتا

ای شکم گستاخ با تکه نانی سر کن تا برای خدمت به هر کسی تعظیم نکنی.

* چگونه می توانیم زندگی خود را بارزش تر کنیم .

به ارزش و اهمیت لحظات گرانبهادر عمر خود پی برده و در زندگی قناعت پیشه باشیم. به خاطر زیاده خواهی، تن به کارهای پست و بی ارزش نداده و فقط بندهی مخلص و حقیقی خداوند تبارک و تعالی باشیم. طبع بلند و عزت نفس داشته باشیم و به خاطر لقمه ی نان هیچ وقت پیش دیگران کمر خم نکنیم.

نام و نام خانوادگی:	آموزشگاه:	نوع آزمون:	۳
کلاس:	طراح سوال:	زمان آزمون:	گروه فارسی ششم

ایستگاه اندیشه

سوال ۱: پیام این داستان چیست؟

این که انسان کار خود را خودش انجام بدهد و وقتی که ضرورتی ندارد از دیگران کمک نخواهد .

سوال ۲: به نظر شما محتوای این داستان چه ارتباطی با عنوان و درس های این فصل دارد؟

این داستان نیز یکی از مهارت های زندگی را به ما می آموزد که با مطالعه ی این درس و سایر دروس و داستان های این فصل می فهمیم، افرادی که مهارت های مختلف زندگی را آموخته و در زندگی خویش به کار می گیرند، هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی به موفقیت می رسند.